

امنیت حج در دوره حکومت فاطمیان از تصرف مصر تا پایان دولت المستنصر بالله (۳۵۸ - ۴۸۷ ق)

مهدی عبادی^۱؛ مرتضی عباسی^۲

چکیده

دولت فاطمیان، (حک: ۲۹۷ - ۵۶۷ ق) پس از فتح مصر در سال ۳۵۸ قمری، به مدت بیش از دو قرن، بر یکی از شاهراه‌های مهم اعزام حجاج، تسلط و به تبع آن مسئولیت تأمین امنیت آن را بر عهده داشت. تسلط بر این شاهراه از این لحاظ اهمیت داشت که دامنه نفوذ و تسلط فاطمیان، علاوه بر مصر، به شام، حجاز و مراسم حج نیز کشیده شد و برای مدت مدیدی این دولت شیعی-اسماعیلی، نفوذ قابل توجهی در برگزاری مراسم حج داشت.

در این مقاله با طبقه‌بندی و تحلیل داده‌های گردآوری شده از منابع دست اول، کارنامه و عملکرد فاطمیان در مقوله امنیت حج، در مهم‌ترین سال‌های حکومت آنان، بررسی شده است. طبق یافته‌های این پژوهش برای این مهم، دو دوره تاریخی را می‌توان در نظر گرفت.

فاطمیان، از تصرف مصر در سال ۳۵۸ قمری تا نیمه دوم حکومت الحاکم بأمرالله، (سال‌های آغازین قرن پنجم هجری) به دلیل توانایی‌های نظامی و اقتصادی توانستند با برطرف کردن مشکلات پیشین، امنیت مناسبی را برای حجاج مناطق تحت فرمان خود فراهم کنند؛ اما از اوایل قرن پنجم هجری، به دلایلی چون متزلزل شدن موقعیت آنان در شام، و همچنین بحران‌های اقتصادی و سیاسی، به تدریج از توان آنان برای تأمین امنیت حجاج کاسته شد.

کلیدواژه‌ها: حج، تاریخ حج‌گزاری، راه‌های حج، فاطمیان، مصر، حجاز، امنیت.

۱. دانشیار گروه تاریخ و تمدن اسلامی، دانشگاه پیام نور (m.ebadi@pnu.ac.ir).

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته تاریخ تشیع دانشگاه پیام نور تهران جنوب (نویسنده مسئول) (mbvmfb@gmail.com).

مقدمه

حج به عنوان یکی از مناسک مهم برای مسلمانان، همواره مورد توجه مردم و دولت‌های اسلامی بوده است و این دولت‌ها معمولاً تلاش داشته‌اند، از طریق برقراری امنیت برای حجاج، برای خود مشروعیت و اقتدار کسب کنند. گروهی از شیعیان اسماعیلی، که از سال ۲۹۷ قمری در افریقیه، دولت فاطمیان را بنیان نهاده بودند، با گشودن مصر در سال ۳۵۸ قمری از دو منظر نقش مهمی در حج‌گزاری مسلمانان بر عهده گرفتند: اول از آن جهت که راه مصر، یکی از چهار شاهراه اصلی اعزام حجاج جهان اسلام بود و دوم آنکه حجاز از لحاظ اقتصادی و تأمین آذوقه، از سال‌های قبل از حکومت فاطمیان، وابسته به مصر بود. از سویی دیگر، فاطمیان حکومتی شیعی و اسماعیلی و اکثریت مردمان تحت حکومت آنان غیر شیعه بودند. این شرایط، اهمیت خاصی را هم برای دولت فاطمی و هم مسلمانان از فرق مختلف در قلمرو فاطمیان و همچنین برای مسلمانان خارج از قلمرو این دولت، ایجاد می‌کرد. از این رو، پژوهش حاضر بر آن است تا چگونگی وضعیت امنیت حج در دوره حکومت فاطمیان را بررسی کند. منظور از امنیت حج در این پژوهش، برقراری امنیت حجاج مناطق تحت حکومت فاطمیان، از بدو اعزام تا رسیدن به مراسم حج و بازگشت به موطن است.

نظر به اهمیت و گستره وسیع زمانی و جغرافیایی حکومت فاطمیان، هر چند در حوزه حج پژوهی، به نقش آنان در حج‌گزاری و بیشتر به رابطه آنان با امرای حجاز اشاره شده است و نیز در برخی پژوهش‌های فاطمی به حج به صورت موضوعی فرعی و ذیل مباحث دیگر پرداخته شده، اما به صورت منسجم و مفصل، پژوهش مستقلی، درباره نقش فاطمیان در تأمین امنیت حج، صورت نگرفته است.

کتاب رقابت عباسیان و فاطمیان در سیادت بر حرمین شریفین قرن پنجم و ششم

هجری، (خرابشه، ۱۳۸۵) نزدیک‌ترین پژوهش یافت‌شده به موضوع پژوهش حاضر است که از نظر توصیف وضعیت حج از منظر رقابت سلجوقیان و فاطمیان نسبتاً کامل است. اما این پژوهش همان‌طور که از نام آن پیداست، وضعیت حج را فقط از منظر رقابت عباسی - فاطمی در قرن پنجم و ششم هجری بررسی می‌کند. به عبارت دیگر محور اصلی و منظر پژوهشگر، رقابت سیاسی سلجوقی - فاطمی است و موضوع حج به عنوان موضوعی فرعی و ذیل این رقابت مطرح است.

مقاله «تعامل فاطمیان با امرای حجاز و دستاوردهای آن»، (شاهوردی، ۱۳۹۲، صص ۲۴۵ - ۲۶۸) از نظر قلمرو زمانی وسیع‌تر از کتاب خرابشه است و تعامل فاطمیان با امرای حجاز را قبل از سلجوقیان نیز توصیف و تحلیل می‌کند. مؤلف هرچند به مناسبت، به نکات تاریخی ارزشمندی درباره حج اشاره می‌کند، اما محور کلی مقاله، تعامل سیاسی و بعضاً نظامی فاطمیان با امرای حجاز و دستاوردهای آن است و حج به عنوان محور اصلی مورد نظر مؤلف نیست و حتی واژه حج، به عنوان واژگان کلیدی مقاله مطرح نشده است.

در مقاله «مکه آوردگاه رقابت امرای ایرانی و مصری، از قرن سوم تا ششم هجری»، (طهماسبی، ۱۳۸۴، صص ۱۰۳ - ۱۱۷) هرچند در مقدمه از اهمیت نهاد حج سخن می‌رود، اما محور اصلی، تأکید بر رقابتی مصری - ایرانی است و مؤلف از همین منظر به اختصار به رقابت‌های طاهریان و طولیان، صفاریان و طولیان، آل بویه و اخشیدیان، آل بویه و فاطمیان و در نهایت سلجوقیان و فاطمیان در آوردگاه مکه می‌پردازد و در نهایت با برشمردن دلایلی نتیجه گرفته می‌شود که در مجموع مصریان در این رقابت برتر بودند.

در این پژوهش‌ها، روابط و رقابت‌های سیاسی، متغیر اصلی در نظر گرفته شده که یکی از مؤلفه‌های آن تسلط بر حجاز و مراسم حج است؛ در حالی که در این مقاله، امنیت حج در قلمرو فاطمیان، منظر و محور اصلی پژوهش در نظر گرفته شده است.

بر این اساس، پژوهش حاضر بر آن است تا با تنظیم و بعضاً تحلیل داده‌های گردآوری شده از منابع دست اول، با روش کتابخانه‌ای و اسنادی، ضمن توصیف عملکرد فاطمیان در برقراری امنیت حج، چگونگی این عملکرد را در دوره کلاسیک حکومت آنان در مصر (از ۳۵۸ق تا پایان حکومت المستنصر) بررسی نماید. بدین منظور، پس از درآمدی تاریخی بر پیشینه امنیت حج مصریان قبل از فاطمیان، کارنامه آنان در این حوزه به دو دوره تاریخی تقسیم و بررسی شده است: دوره اول: از تصرف مصر توسط فاطمیان در سال ۳۵۸ تا پایان نیمه اول حکومت الحاکم بأمرالله (حدود سال ۴۰۲ق) و دوره دوم: از آغاز نیمه دوم حکومت الحاکم بأمرالله تا پایان حکومت المستنصر. (۴۸۷ق)

نپرداختن این مقاله به دوره بعد از المستنصر بالله تا پایان حکومت فاطمیان (۴۵۶ق) به این دلیل است که در این دوره، قدرت از دست خلفای فاطمی خارج شده بود و عمدتاً در دست وزرای نظامی و بعضاً اهل سنت بود. درباره این دوره، که تقریباً همزمان با آغاز جنگ‌های صلیبی (۴۸۸ - ۶۹۰ق) بود، تأثیر این رویداد مهم بر حج‌گزاری، می‌تواند موضوع پژوهشی مستقل باشد.

درآمدی تاریخی بر اهمیت و پیشینه راه حج مصر پیش از فاطمیان

از صدر اسلام، کاروان‌ها از نقاط مختلف، غالباً از طریق چهار شاهراه اصلی عازم حج می‌شدند که سایر مسیرها بدان‌ها منتهی می‌شد. این مسیرها عبارت بود از راه‌های مصر، دمشق (شام)، بغداد و تَعَزَّ (یمن). (نک: ابن فضل الله عمری، ۱۴۲۳، ج ۴، ص ۳۹۵) حجاج شمال جهان اسلام از راه حج مصر و شام، حجاج شرق از راه بغداد،^۱ و حجاج مناطق جنوبی از یمن عازم حج می‌شدند.

۱. کاروان حج عراقی، در مقابل آنچه که از آن به عنوان کاروان حج شامی و مصری یاد می‌شود، شامل تمامی حجاجی بوده که از نواحی شرق اسلامی به حج می‌آمدند؛ اما اهمیت ایران به نام خراسان بود؛ به همین دلیل «رکب عراقی» یا کاروان حج عراق، شامل حجاجی بود که از بغداد و خراسان پدید می‌آمد. در اخبار مربوط به حج، در اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم، کاروان حج عراق و خراسان با یکدیگر ذکر می‌شود. (جعفریان، ۱۳۸۵)

برخلاف دوران کنونی - که به سبب پیشرفت و توسعه حمل و نقل، مسیر و راه حج از موضوعیت کمتری برخوردار است، در قرون گذشته - راه‌های حج اهمیت زیادی داشت؛ برای مثال در زمان ناصر خسرو، (م ۴۸۱ق) در بهترین حالت، قافله حج مصر پس از ۲۵ روز عبور از رودخانه نیل و بیابان و دریای سرخ به مکه می‌رسید. (ناصر خسرو، ۱۳۸۹، ص ۱۰۱) به علاوه در آن دوران، در صورت ضعف و اهمال حکومت‌ها، راه‌های حج و حتی مراسم حج، جولانگاه راهزنان و صحنه فجیع‌ترین جنایات می‌شد که نمونه بارز آن حج خونین سال ۱۳۷ قمری است.^۱

از میان راه‌های اصلی اعزام حجاج، اهمیت راه حج مصر از آن جهت بود که کاروان‌های حج شمال آفریقا و اندلس و سیسیل یا صقلیه نیز از این راه، عازم مراسم حج می‌شدند و راه‌های متعددی در بین راه به آن می‌پیوست و امکانات قابل توجهی نیز داشت. این راه از فسطاط، اولین پایتخت مصر اسلامی، آغاز می‌شد. سپس در مکانی به نام جُبِّ عُمیره یا برکه حجاج،^۲ قافله مصر و دیگر سرزمین‌های شمال آفریقا (مغرب اسلامی) به هم می‌پیوستند و از آنجا پس از طی مراحل به صحرای سینا و از آنجا به عقبه ایله، در ساحل دریای سرخ و اردن کنونی، می‌رسیدند.

کاروان‌ها پس از طی منازل به شهر باستانی و آباد مدین می‌رسیدند که از آنجا مسیر کاروان‌های مدینه اول و مدینه دوم تغییر می‌کرد. مدینه دومی‌ها از کنار ساحل دریای سرخ، پس از طی مراحل، عازم جحفه و مکه می‌شدند. این مسیر به «راه ساحلی» شهرت داشت و مدینه اولی‌ها، پس از طی منازل، به مدینه می‌رسیدند. (نک: قلقشندی، ۱۹۸۷، ج ۱۴، ص ۴۳۱ - ۴۳۳؛ ابن فضل الله عمری، ۱۴۲۳، ج ۴،

۱. قلقشندی، بی تا، ج ۴، ص ۲۷۳؛ سباعی، ۱۳۸۵، ص ۲۲۰ - ۲۲۶؛ دفتری، ۱۳۹۳، ص ۱۹۰. برای مطالعه روایات تاریخی این واقعه نک: ابن اثیر، ۱۳۷۰، ج ۱۹، ص ۲۳۹ - ۲۴۱؛ ابن تغری بردی، ۱۳۹۲، ج ۳، ص ۲۲۴ - ۲۲۵؛ ابن حماد، ۱۳۷۸، ص ۳۵؛ ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۱۲۶ و ۱۴۱ - ۱۴۲؛ ابن کثیر، بی تا، ج ۱۱، ص ۱۶۱؛ تامر، ۱۹۹۱، ج ۱، ص ۱۷۶؛ رشیدالدین فضل الله، ۱۳۸۷، ص ۱۶ - ۱۷.

۲. این مکان خوش آب و هوا، موسوم به «جب عمیره» یا برکه حجاج، در شمال شرقی قاهره، محل تجمع حجاج برای آغاز حرکت بود. برخی از عامه مردم به اشتباه آن را چاه یوسف می‌نامیدند. (نک: مقریزی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۴۳۵)

ص ۳۹۵) از مزایای استفاده از این مسیر برای حجاج شرق جهان اسلام، امکان زیارت بیت المقدس نیز بود. (نک: ناصر خسرو، ۱۳۸۹، ص ۶۱)

مسیر دیگری نیز برای حجاج مصری وجود داشت که با نامن شدن مسیر اصلی، رونق می گرفت. در این مسیر زائران از طریق ساحل نیل (در شهر فسطاط) تا قوص (شهری بزرگ در شرق نیل) و حداکثر تا آسوان (شهری در ساحل شرقی نیل) و نزدیک آخرین آبشار این رود را با کشتی به سمت جنوب حرکت می کردند و از آنجا با کرایه شتر از اعراب بیابان گردی مشهور به «بجایان»، به بندر عیذاب بر کرانه غربی دریای سرخ (قُلْزُم) می رسیدند و از آنجا عرض دریای سرخ را به مقصد بندر جُده (برای مدینه دومی ها) یا بندر جار، در ساحل شرقی دریای سرخ در نزدیکی مدینه، (برای مدینه اولی ها) با کشتی می پیمودند. ناصر خسرو در سفرنامه اش توصیف مفصلی از دشواری های این مسیر ارائه می دهد. (ناصر خسرو، ۱۳۸۹، ص ۱۰۹ - ۱۱۸)

مسیر سوم حجاج مصری از بندر قلزم، در شمال دریای سرخ، آغاز می شد و حجاج از طریق دریای سرخ به بندر جار (واقع در ساحل غربی دریای سرخ در حجاز) می رفتند و از آنجا از راه خشکی عازم مدینه می شدند. طبق سفرنامه ناصر خسرو، از قاهره تا قلزم، هشت روز، از قلزم تا جار، (به صورت دریایی) پانزده روز و از جار تا مدینه، چهار روز به طول می انجامید. (ناصر خسرو، ۱۳۸۹، ص ۱۰۱ - ۱۰۶)

بنا بر گزارش های تاریخی، راه حج مصر در سال های منتهی به گشوده شدن این شهر توسط فاطمیان، دستخوش ناامنی گشته و به تعطیلی گراییده بود. این ناامنی به دلیل ضعف حکومت اخشیدیان^۱ مصر (حک: ۳۲۳ - ۳۵۸)، در تأمین امنیت مسیر حج بود؛ برای مثال در دهم ذی قعدة سال ۳۵۴ قمری، قافله عظیمی متشکل از سه

۱. آل اخشید، اخشیدیان یا اخشیدیه، سلسله ای بودند که در میان سال های ۳۲۳ - ۳۵۸ قمری و قبل از فاطمیان بر مصر و شام فرمان راندند و در ادواری در حرمین نیز صاحب نفوذ بودند.

کاروان حج مصر، شام و شمال آفریقا ۳۵۵ قمری نقل می‌کند که در این واقعه جز عده کمی از کاروان مصر زنده نماندند. (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۸، ص ۵۷۴) این شرایط نارضایتی عمومی را سبب گشته و بازگشایی مسیر حج را به مطالبه عمومی مسلمانان مصر تبدیل کرده بود. (ابن حماد، ۱۳۷۸، ص ۶۶ - ۶۷؛ مقریزی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۱۰۴) این شرایط سبب شد تا فاطمیان با وعده تأمین امنیت حج و تحقق آن بتوانند گامی در مقبولیت و رضایت عمومی مصریان بردارند.

از تصرف مصر تا نیمه اول حکومت الحاکم بأمرالله (۳۵۸ - حدود ۴۰۲ق)

فاطمیان در بدو ورود به مصر، یکی از اهداف خود را برقراری امنیت مسیر حج، بازگشایی آن و مبارزه با قرامطه^۱ دانستند. در آستانه فتح مسالمت‌آمیز مصر در اول

۱ قرامطه، از انشعابات فرقه «سماعیلیه»، منسوب به مردی به نام حمدان قرمط بودند. در اواخر قرن سوم هجری طرفداران حمدان قرمط از طرف رئیس فرقه پنهانی خود، که صاحب الظهور نام داشت و محل اقامتش مجهول بود، دولتی در بحرین، که مرکز آن الاحساء بود، تأسیس کردند. قرامطه نه تنها در بین النهرین و خوزستان بلکه در انقلابات بحرین و یمن و سوریه نیز دست داشتند. قرامطیان بحرین بیشتر از جنگجویان بدوی عرب بودند و خطر بزرگی برای خلافت عباسی به شمار می‌رفتند و در سال ۲۸۸، لشکریان خلیفه را در بیرون بصره به کلی درهم شکستند.

یکی دو سال بعد، صاحب الناقه و پس از وی برادرش صاحب الشامه یا صاحب الخال، سوریه را تا دروازه‌های دمشق غارت کردند. «زکویه»، که از قرامطه بود، به کاروانی از حاجیان حمله کرد و گویند بیست هزار تن در این فاجعه هلاک شدند.

در سال ۳۱۲ ابو طاهر جتایی «ابو سعیدیه»، که پسر و جانشین او ابو سعید جنابی بود، به بصره تاخت و غنیمت‌های فراوان گرد آورد و چند ماه بعد از آن به کاروان حاجیان بزد و دو هزار و دویست مرد و سیصد زن را بکشت. دیری نپایید که قرامطیان کوفه را شش روز غارت کردند؛ در هشتم ذی‌الحجه ۳۱۷ ابو طاهر قرمطی به مکه حمله کرد و آن شهر را متصرف گردید و غارت کرد و چند هزار نفر از حاجیان را بکشت و عده‌ای را به بردگی برد و چون قرامطه زیارت کعبه را بت‌پرستی می‌شمردند، فرمان داد که حجر الأسود را از دیوار کعبه کنده و به دو نیم کرده و با خود به الاحساء بردند و پس از بیست سال آن را به مکه بازگردانیدند. (نک: مشکور، ۱۳۷۵، ص ۲۵۸ - ۳۶۰)

درباره ارتباط بین فاطمیان و قرامطه، بین مورخان اختلاف نظر جدی وجود دارد. برخی آنان را بخشی از فاطمیان پنداشته، و برخی پژوهش‌های جدید در این مورد پیوستگی قرامطه با فاطمیان را زیر سؤال می‌برد. (نک: مادلونگ،

شعبان ۳۵۸ قمری، جوهر (م ۳۸۱ ق)، سردار و بالاترین فرمانده نظامی فاطمیان، در امان نامه‌ای به نمایندگی از خلیفه فاطمی، با اشاره به ناامنی قابل توجه راه حج، اقامه حج تعطیل شده و تأمین امنیت راه حج را از اهداف حکومت جدید بیان کرد. (ابن حماد، ۱۳۷۸، ص ۶۶ - ۶۷؛ نک: مقریزی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۱۰۴)

المعز لدین الله، اولین خلیفه فاطمیان در مصر، (حک: ۳۴۱ - ۳۶۵ ق) در بدو ورود به اسکندریه، در جمع قاضی و بزرگان شهر و در خطبه‌ای طولانی، به صراحت اقامه حج را یکی از اهداف ورودش به مصر عنوان می‌کند. (عمادالدین، ۱۹۷۵، ج ۶، ص ۱۹۱) بدین منظور فاطمیان علاوه بر نبرد با قرامطه، بر خلاف رویه غالب عباسیان، حج را در ساختاری نظامی تعریف کرده و از امیرالحاج‌های نظامی استفاده می‌کردند. اقامه حج در ساختار حکومت فاطمیان، در کنار جهاد، از وظایف اصلی نهادی به نام «ارباب السیوف» بود. (نک: قلقشندی، ۱۹۸۷، ج ۳، ص ۲۹۹)

هر چند در سال‌های اولیه استیلای فاطمیان بر مصر، احتمالاً به دلیل درگیری‌های آنان با قرامطه، گزارشی از حج‌گزاری رسمی مصریان یافت نشد، (شخص المعز در دوران کوتاه خلافتش در مصر اغلب به کار دفع تهدیدهای قرامطه مشغول بود «دفتری، ۱۳۹۳، ص ۲۰۴») اما با شکست نسبی قرامطه، از سال ۳۶۵ گزارش‌های دقیقی از تاریخ حرکت کاروان مصر به حج، تاریخ بازگشتن آن، اقامه دعوت و خطبه به نام خلیفه فاطمی در مراسم حج، موجود است. در این سال‌ها اخباری از هجوم قرامطه یا اعراب راهزن به کاروان‌های حج مصری در دست نیست که این مسئله مؤیدی برای تحقق امنیت راه حج مصر است. (نک: ابن میسر، بی تا، ص ۱۶۷)

مقریزی (۷۶۶ - ۸۴۵ ق) در موارد متعدد، طلیعه بیان حوادث سال را در این سال‌ها، با خبر گزارش سابق الحاج (پیشاهنگ قافله حج) یا خبر رسیدن یا رهسپار شدن حجاج مصری آغاز می‌کند. (نک: مقریزی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۲۲۵، ۲۲۷، ۲۴۴، ۲۷۱، ۲۷۲) به سبب برقراری امنیت راه حج مصر در زمان المعز لدین الله، راه

خشکی حج، که چندین سال به دلیل ناامنی تعطیل و به راه دریایی (از طریق نیل و دریای سرخ) تبدیل شده بود، دوباره بازگشایی شد.

در منابع تاریخی اعلام عمومی باز شدن راه زمینی حج در مسجد جامع عتیق، در زمان المعزالدین الله در ذی‌قعدة سال ۳۶۴ قمری و پس از چندین سال تعطیلی گزارش شده است. (ابن میسر، بی تا، ص ۱۶۷) مقریزی در حوادث سال ۳۶۵ قمری، خبر رسیدن حجاجی را که برای اولین بار بعد از چندین سال از طریق خشکی عازم حج شده بودند، گزارش و تصریح می‌کند که تا قبل از آن، راه خشکی سال‌ها استفاده نمی‌شد. (مقریزی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۲۲۵ و ۲۲۷)

یکی از مسائلی که در حوزه امنیت حج درباره فاطمیان مطرح شده است، ایجاد ناامنی برای کاروان حجاج عراق است. درباره نقش المعز لدین الله، در ایجاد ناامنی برای کاروان حج عراق، ابن فهد (۸۱۲ - ۸۸۵ق) در گزارش سال ۳۶۳ قمری بیان می‌کند که المعز لدین الله، بنی‌هلال (تیره‌ای از بنی‌عامر و از قبیله هوازن) و دیگر اعراب را بر کاروان حج عراق مسلط کرد که در نتیجه، گروه زیادی از حجاج عراقی قتل‌عام شدند و تعداد زیادی از آنان، موفق به انجام فریضه حج نشدند. (ابن فهد، ۱۴۲۶، ج ۲، ص ۴۱۰)

ابن اثیر نیز در اخبار این سال، حمله بنی‌هلال به کاروان حج عراق و نجات افرادی که از راه مدینه عازم حج شدند را گزارش می‌کند، اما در خبر او هیچ اشاره‌ای به نقش المعز در این حادثه نیست. (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۸، ص ۲۳۳) ابن کثیر (م ۷۷۴ق) نیز با وجود تمایلات شدید ضد شیعی و فاطمی، ضمن نقل این خبر در حوادث سال ۳۶۳ قمری، هیچ اشاره‌ای به نقش فاطمیان در این ماجرا نمی‌کند. (ابن کثیر، بی تا، ج ۸، ص ۲۳۳)

دوران العزیز بالله، دومین خلیفه فاطمی مصر (حک: ۳۶۵ - ۳۸۶ق) نیز از جهت تأمین امنیت حج، شبیه دوران المعز لدین الله است. ابن اثیر در بیان حوادث سال ۳۶۷

قمری، با اشاره به انتصاب بادیس بن زیری، (م ۴۰۶ق) برادر جانشین العزیز بالله در افریقیه به عنوان امیرالحاج قافله مصر، ماجرای قابل توجهی را از برخورد او با راهزنان در نزدیکی مکه نقل می‌کند که به دستور او دست راهزنان بریده می‌شود. (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۸، ص ۳۹۴)

در اواخر حکومت العزیز بالله، در سال ۳۸۴ قمری، به دلیل مشکلاتی که اعراب راهزن برای حجاج پدید آوردند، فقط حجاج مغرب و مصر موفق به انجام حج می‌شوند (مقریزی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۲۸۵؛ ابن کثیر، بی تا، ج ۱۱، ص ۳۱۳) که نشان‌دهنده امنیت مسیر حج مصر و یمن در این مقطع، نسبت به سایر مسیرهای حج است. بنا بر برخی گزارش‌ها، در ایام زمامداری العزیز بالله، ممانعتی برای حضور هیچ فرد مسلمانی با هر گرایش سیاسی یا مذهبی ایجاد نمی‌شد، هرچند که مراقبت می‌شد تا مناسک حج با تبلیغات سیاسی به نفع عباسیان (رقبای سیاسی فاطمیان برای رهبری جهان اسلام) همراه نشود. (عمادالدین، ۱۹۷۵، ج ۶، ص ۲۱۶) در مجموع دو خلیفه اول فاطمیان در مصر، (المعز لدین الله و العزیز بالله) کارنامه قابل قبولی در تأمین امنیت راه حج مصر برجای گذاشتند. در این دوره، کاروان حج مصر با تشریفات و شکوه به همراه هدایا و پرده کعبه به حج اعزام می‌شد. (نک: مقریزی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۲۵۲)

در نیمه اول دوران خلافت ۲۵ ساله الحاکم بأمرالله (حک: ۳۸۶ - ۴۱۱ق) در مصر، مسیر حج مصر از امنیت برخوردار بود. مقریزی در سال‌های متعددی از نیمه اول حکومت او، اخبار گزارش‌دهی سابق‌الحاج به الحاکم بأمرالله و تاریخ اعزام و رسیدن قافله حج مصر را روایت می‌کند (نک: مقریزی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۳، ۸، ۲۱، ۲۵، ۳۸، ۴۴، ۴۸، ۷۵، ۷۶، ۸۱، ۱۰۵) که نشان‌دهنده تأمین امنیت مسیر حج مصر در این دوره است. البته در سال ۳۹۵ قمری الحاکم بأمرالله، فرمانی به عمال خود، مبنی بر الزام به برائت از شیخین، صادر کرد (ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۱۴۴؛

مقریزی، ۱۴۱۸، ج ۴، ص ۱۶۳؛ ابن تغری بردی، ۱۳۹۲، ج ۴، ص ۱۷۶ - ۱۷۷) که این دستور به نارضایتی و عصیان ابوالفتح، (حک: ۳۸۴ - ۴۳۰ ق) امیر دست‌نشانده فاطمیان بر مکه، و فتنه‌ای در این شهر منجر می‌شود. در همین اوضاع و احوال، گزارشی از سال ۳۹۵ قمری در دست است که برخی از حجاج ورودی به مصر به سبب امتناع از سب و لعن سلف، مورد آزار شدید قرار گرفته‌اند. (مقریزی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۵۴؛ همو، ۱۴۱۸، ج ۴، ص ۱۶۴) البته در سال‌های بعدی حکومت الحاکم بأمراالله، در این سیاست بازنگری شد و سعی شد با اقداماتی، از جمله فرمانی مبنی بر تعیین حد تازیانه برای سب‌کنندگان، کدورت‌ها نسبت به اهل سنت رفع شود. (مقریزی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۹۸)

با توجه به شواهد و گزارش‌های تاریخی فوق، فاطمیان تا سال‌های آغازین قرن پنجم هجری و اواسط خلافت الحاکم بأمراالله توانستند با اعمال قدرت نظامی در شام و به واسطه اوضاع خوب اقتصادی مصر و تسلط بر حجاز، در تأمین امنیت و اعزام حجاج تحت قلمرو خود موفق باشند.

از نیمه دوم حکومت الحاکم بأمراالله تا پایان حکومت المستنصر بالله (حدود ۴۰۲ تا ۴۸۷ ق)

در نیمه دوم حکومت پرحاشیه الحاکم بأمراالله (حدود ۴۰۲ تا ۴۱۱ ق) و مصادف با سال‌های اول قرن پنجم هجری، اوضاع حج‌گزاری مسلمانان مصر آشفته گزارش شده است. وضعیت نابسامان حجاز، ضعف اقتصادی، فتنه‌های مذهبی در مصر و قدرت گرفتن اعراب راهزن، از دلایل این بی‌نظمی و بعضاً ناامنی در اعزام حجاج است.

مقریزی در حوادث سال ۴۰۲ قمری از قرائت فرمانی در قالب اعلامیه در مصر مبنی بر ممنوعیت سفر حج، چه از راه خشکی و چه از راه آبی و همچنین

ممنوعیت انتقال کالا و مواد غذایی به مکه خبر می‌دهد و اضافه می‌کند عده‌ای که برای حج راهی شده بودند نیز از میانه راه بازگشتند. (۱۴۱۶، ج ۲، ص ۹۰) اگرچه مقریزی بدون بیان دلایل این مشکلات از این خبر عبور می‌کند، اما در این سال‌ها حوادث مهمی اتفاق افتاده که نمی‌تواند بی‌ارتباط با این فرمان باشد. در این سال، طی شورش‌هایی علیه فاطمیان در شام، حکمران گماشته آنان در دمشق کشته شده، و رمله در فلسطین اشغال، و شریف مکه، ابوالفتوح که توسط حاکم بدین سمت گماشته شده بود، خلیفه جدید اعلام شد و او نیز به رمله رفت. (نک: نویری، بی‌تا، ج ۲۸، ص ۱۸۵ - ۱۸۸؛ دفتری، ۱۳۸۶، ص ۲۲۱ - ۲۲۲)

به نظر می‌رسد ناامنی شمال صحرای سینا، به مثابه بخشی از راه حج مصر، به سبب تسلط شورشیان، در صدور این فرمان بی‌تأثیر نبود؛ زیرا پس از تسلیم ابوالفتوح و بازگشت او به مکه با عفو الحاکم بأمراالله در سال ۴۰۳، برای مهیا شدن مردم برای حج از خشکی و دریا، اعلام عمومی می‌شود.^۱

آشفته‌گی مذهبی در مصر نیز در بی‌نظمی امر حج این دوره بی‌تأثیر نبوده است. این آشفته‌گی مذهبی، حاصل فتنه‌ای مذهبی بود که بر اثر تبلیغات گروهی از داعیان غالی فاطمی مبنی بر الوهیت الحاکم بأمراالله و پایان یافتن دور اسلام و اباحه‌گری ایجاد شده بود و نهایتاً به شکل‌گیری فرقه دروزیه^۲ انجامید. این عقاید با مخالفت و برخورد علنی دستگاه رسمی دعوت فاطمی روبرو شد. (نک: مقریزی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۱۱۳؛ دفتری، ۱۳۸۶، ص ۲۳۱ - ۲۳۷)

۱. در این سال حجاج، روز چهاردهم ذی‌قعدة به سوی برکه حجاج (محل تجمع حجاج برای آغاز حرکت) حرکت می‌کنند؛ اما شبانه باز می‌گردند و از حج باز می‌مانند. مقریزی علت این بازگشت را بیان نمی‌کند اما محقق کتاب، (محمدحلمی) علت احتمالی آن را درگیری بین گروه‌های نظامی و یا خروج دبره‌نگام کاروان بیان می‌کند. (مقریزی، ۱۴۱۶، پانویس ۱، ج ۲، ص ۹۸)

۲. دروزیان، از مهم‌ترین انشعابات اسماعیله در نیمه اول سده پنجم بود که بر مبنای اعتقاد به الوهیت الحاکم بأمراالله، خلیفه فاطمی شکل گرفت. (عبدالحمید مرادی، ۱۳۹۳، دروزیان، در دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۷.

انطاکی (زنده در ۴۵۸ق) که خود معاصر دوران الحاکم بأمراالله بوده، نقل می‌کند که در اواخر حکومت او، با عدم حضور خلیفه در مجامع عمومی، مانند عید فطر و قربان، چندین سال حج و ارسال پرده کعبه، که سنت هر ساله فاطمیان بود، به بهانه ترس از راهزنی اعراب علیه حجاج تعطیل شد؛ اما همه این رفتارهای حاکم، برای مردم، انحراف او از دین اسلام و تقویت غالیان برداشت می‌شود. (انطاکی، ۱۹۹۰، ص ۲۳۴ - ۲۳۵)

مؤید خبر تعطیلی حج در اواخر حکومت الحاکم بأمراالله این است که آخرین سالی که مقریزی اخبار حج دوران او را نقل می‌کند، سال ۴۰۵ قمری است و از آن سال، دیگر خبری از اعزام یا تاریخ رسیدن حجاج نقل نکرده است. در همان سال نیز به بازگشت حجاجی اشاره شده که بسیاری از همسفران آنان به سبب گرسنگی و تشنگی جان خود را از دست دادند. (مقریزی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۱۰۵)

به طور کلی، گزارش‌های مقریزی آشفتگی سال‌های آخر حکومت الحاکم بأمراالله را به تصویر می‌کشد. بنا بر یکی از این گزارش‌ها در سال ۴۱۰ قمری، به علت قحطی و گرانی شدید، عده بسیار زیادی از مردم بر اثر گرسنگی جان باختند. (مقریزی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۱۱۵)

در چهارمین سال از حکومت الظاهر لإعزاز دین الله، ماجرای حج مشهور و پرحاشیه حسنک وزیر (م ۴۲۲ق) که نهایتاً به اعدام او منجر شد، نشان دهنده امنیت نسبی مسیر حج در قلمرو فاطمیان نسبت به مسیر عراق است. حسنک، وزیر سلطان محمود غزنوی (۳۶۱ - ۴۲۱ ق) و امیرالحاج خراسان بود که در سال ۴۱۵ قمری، بعد از انجام مناسک حج، به دلیل ناامنی راه حجاز به عراق، با مشورت با امیرالحاج عراق، راه شام (در قلمرو حکومت فاطمیان) را برای بازگشت انتخاب می‌کند و از خلیفه فاطمی خلعت دریافت می‌کند (نک: ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۹، ص ۳۴۰؛ مقریزی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۱۳۷) که البته بعدها به قیمت بر دار شدن حسنک تمام می‌شود.

(نک: بیهقی، ۱۳۹۳، ص ۲۲۲ - ۲۳۰)

چند ماه بعد از عبور کاروان عظیم حج خراسان و عراق از قلمرو فاطمیان، به دلیل اوضاع بد اقتصادی در مصر (نک: مقریزی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۱۶۴) و شورش‌هایی که علیه فاطمیان در شام به وقوع می‌پیوندد، (مقریزی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۱۴۳ و ۱۵۲؛ ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۸۵) دیری نمی‌پاید که راه حج مصر دستخوش ناامنی می‌شود.

مقریزی در حوادث همان سال، پس از وصف اوضاع آشفته مصر، از دو مورد راهزنی نسبت به حجاج شمال آفریقا در نزدیکی قاهره یاد می‌کند. در واقعه اول، حجاج در ماه شوال، بعد از عبور از برکه حجاج، غارت و عده‌ای کشته می‌شوند و در واقعه دوم پس از درگیری شدید، راهزنان شکست می‌خورند. در این واقعه مقریزی اشاره می‌کند که هیچ یک از مردم مصر به همراه حجاج برای حج حرکت نکرده بودند. (۱۴۱۶، ج ۲، ص ۱۳۶ - ۱۶۹) به همین دلایل، در سال‌های آخر حکومت الظاهر لإعزاز دین الله، دیگر خبری از گزارش‌های مقریزی از تاریخ ورود و خروج حجاج مصری نیست. (نک: مقریزی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۱۷۵ - ۱۸۳)

دوران طولانی و حدود شصت ساله حکومت المستنصر بالله، (حک: ۴۲۷ - ۴۸۷ق) متضمن حوادث و فراز و نشیب‌هایی است که در امنیت راه حج مصریان مؤثر بوده است. درگیری‌های فاطمیان در منطقه شام، ظهور سلجوقیان ضد فاطمی، درگیری‌های داخلی شدید بین اقشار سپاه فاطمیان، تضعیف شدید قدرت خلیفه فاطمی، بحران اقتصادی و کشاورزی و قحطی شدید و هفت ساله مصر و در نتیجه تیرگی رابطه فاطمیان با شرفای مکه، ظهور صلیحیان یمن و دخالت مستقیم فاطمیان در حجاز از طریق آنان و بازیابی قدرت خلیفه فاطمی از متغیرهایی هستند که در حج‌گزاری مصریان و امنیت راه مصر تأثیر مستقیم داشته‌اند.^۱

۱. برای مطالعه مفصل این رویدادها (نک: دفتری، ۱۳۸۶، ص ۲۴۰ - ۲۶۲)

در زمان المستنصر بالله، مسیر اصلی حج مصر یا اصطلاحاً راه خشکی، جای خود را به مسیری موسوم به مسیر دریایی داد. مقریزی علت این تغییر مسیر را بحران عظیم دوران المستنصر بالله بیان می‌کند. (مقریزی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۳۷۴) به نظر می‌رسد ناامنی و خروج شام از حاکمیت فاطمیان در این دوره (به خصوص فلسطین) که از دوره الظاهر لإعزاز دین الله شروع شده بود، در این تغییر مسیر نقش مهمی داشته است؛ زیرا ناامنی فلسطین و به خصوص عقبه ایله، به منزله ناامنی بخش مهمی از مسیر اصلی حج مصر بود.^۱

راه جدید مشکلات متعددی از قبیل ناهمواری، مسافت طولانی و کم‌آبی و باد ناموافق دریا را داشت. کمبود آب در این مسیر به حدی بود که حجاج در صحرای عیذاب برای رسیدن به آب باید سه روز سوار بر شتران حرکت می‌کردند و بعد از رسیدن به آب تا منبع آب بعدی، چهار روز حرکت مداوم لازم بود. (مقریزی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۳۷۳)

ناصر خسرو که در آخرین سال اقامت در مصر در زمان المستنصر بالله، در سال ۴۴۱ قمری از این مسیر به حج رفته، به دقت دشواری‌های این مسیر را توصیف می‌کند. او درباره دشواری پیمودن مسیر در بیابان منتهی به بندر عیذاب، توصیفات قابل توجهی دارد. (ناصر خسرو، ۱۳۸۹، ص ۱۱۳)

از دیگر مشکلات مسیر دریایی حج مصر، با توجه به ابتدایی بودن کشتیرانی در آن روزگار، خود دریای سرخ بود؛ چنان‌که ناصر خسرو در سال ۴۴۲ قمری، مجبور می‌شود به علت باد ناموافق دریا، سه ماه در بندر عیذاب توقف کند. (نک: ناصر خسرو، ۱۳۸۹، ص ۱۱۵) او به سبب اینکه در این سال چندین ماه زودتر از حرکت مرسوم حجاج حرکت کرده بود، به حج می‌رسد، اما احتمالاً همین مشکل،

۱ برای دیدن شرح مفصل درگیری‌های فاطمیان در شام در دوران المستنصر بالله که به پیوستن دمشق به قلمرو سلجوقیان انجامید. (نک: دفتری، ۱۳۸۶، ص ۲۴۵ - ۲۴۶)

سبب تأخیر حج کاروان‌ها بوده است. گاهی نیز باد ناموافق، کشتی حامل حجاج را به بندرهای دورتری سوق می‌داد که حجاج برای رسیدن به مقصد شرایط دشواری را تحمل کرده و مورد سوء استفاده سودجویان قرار گرفته و گاه جان خود را از دست می‌دادند. (نک: مقریزی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۳۷۴)

در دوران المستنصر بالله، گاهی سفر حج، به سبب شرایط نامساعد حجاز و برای تأمین امنیت حجاج تعطیل می‌شد. سفر اول و دوم ناصر خسرو (در سال‌های ۴۳۹ق و ۴۴۰ق) از مصر، همراه با مأموران ارسال پرده کعبه و از طریق بندر قلزم و پیمودن طول دریای سرخ، به مقصد بندر جار، در نزدیکی مدینه بود. در این دو سال، طی اعلامیه‌ای رسمی از جانب المستنصر بالله، که در مجامع عمومی قرائت شد، عامه مردم از رفتن به حج به سبب قحطی در حجاز منع شدند؛ اما پرده کعبه و هدایا، طبق سنت هر ساله، به وسیله مأموران حکومتی، ارسال شد. (ناصر خسرو، ۱۳۸۹، ص ۱۰۱)

ناصر خسرو در بازگشت از حج شبه انفرادی خود در سال ۴۳۹ قمری و شرح قحطی شدید در مکه، اشاره کرده است که در آن سال ۳۵ هزار نفر از حجاز، گرسنه و برهنه، به سبب قحطی به مصر آمدند و المستنصر به همه آنان، لباس و یک سال مستمری داد تا اینکه سال بعد با بارش باران، اوضاع حجاز مساعد شده، و باز دوباره المستنصر بالله، آنها را با مبالغی و البسه، راهی حجاز کرد. (ناصر خسرو، ۱۳۸۹، ص ۱۰۴ - ۱۰۵) او در گزارش حج سال ۴۴۰ قمری، هنگام رسیدن به مدینه، از حجاج خراسانی که از راه شام و مصر، با کشتی به حج آمده بودند، خبر می‌دهد (ناصر خسرو، ۱۳۸۹، ص ۱۰۶) که نشان دهنده امنیت نسبی مسیر حج مصر نسبت به مسیر بغداد در این سال‌هاست.

یکی دیگر از وجوه امنیت حج در دوران المستنصر بالله، ماجرای علی بن محمد صلیحی، (۴۵۵ - ۴۷۳ق) داعی فاطمیان و حاکم یمن است که در سال ۴۵۵ قمری،

به فرمان المستنصر بالله، با ورود به مکه و مجازات قبایل راهزن، امنیت کم سابقه‌ای را برای حج‌گزاران فراهم کرد. مقریزی درباره سال ۴۵۵ قمری که او بر مکه مسلط شد، می‌نویسد که او در آن سال عدالت و احسان را در مکه گستراند، مفسدین را از فساد بازداشت و مردم را امنیتی بخشید که قبلاً آن را نمی‌شناختند و در نتیجه، بسیار محبوب مردم شد و کعبه را با جامه سفید، که شعار دولت فاطمیان بود، پوشاند و برای آنان دعوت کرد. (مقریزی، ۱۴۲۰، ص ۹۵)

نتیجه‌گیری

فاطمیان که در سال ۳۵۸ قمری، پس از ضعف حکومت قبلی مصر (اخشیدیان) در برقراری امنیت حجاج، با وعده تأمین این امنیت وارد مصر شدند، در یک دوره حدود ۴۴ ساله که تا پایان نیمه اول حکومت الحاکم بأمرالله (اوایل قرن پنجم هجری) ادامه یافت، با بهره‌گیری از قدرت اقتصادی و نظامی برتر و نفوذ در اداره مراسم حج، توانستند از عهده این مسئولیت برآمده، و امنیت راه حج مصر و حجاج را تأمین کنند. در این دوره، کاروان حج مصر با تشریفات و شکوه، به همراه هدایا و پرده کعبه، به حج اعزام می‌شد.

از نیمه دوم دوران خلافت ۲۵ ساله و پرحاشیه الحاکم بأمرالله، (حدود ۴۰۲ق) حج مصریان و راه حج مصر به دلایلی چند مختل می‌شود. وضعیت نابسامان حجاج، ضعف اقتصادی و فتنه‌های مذهبی در مصر و قدرت گرفتن قبایل راهزن، از دلایل این نابسامانی است. در دوره خلافت الظاهر لإعزاز دین الله، (حک: ۴۱۱ - ۴۲۷ق) علی‌رغم امنیت نسبی اولیه، درگیری قوای فاطمی با برخی قبایل در شامات و نیز نابسامانی‌های اقتصادی در مصر، از علل ناامنی راه حج بود.

دوران طولانی و حدود شصت ساله حکومت المستنصر بالله، (حک: ۴۲۷ - ۴۸۷ق) متضمن حوادث و فراز و نشیب‌هایی است که در امنیت راه حج مصریان

مؤثر بوده است. درگیری‌های فاطمیان در منطقه شام، ظهور سلجوقیان ضد فاطمی، درگیری‌های داخلی شدید بین اقباش فاطمیان و در نتیجه یکه‌تازی ترکان و تضعیف شدید قدرت خلیفه فاطمی، بحران اقتصادی و کشاورزی و قحطی شدید و هفت ساله مصر و در نتیجه تیرگی رابطه فاطمیان با امرای مکه، ظهور صلیحیان یمن و دخالت مستقیم فاطمیان در حجاز از طریق آنان و بازیابی قدرت خلیفه فاطمی، از متغیرهایی هستند که در حج‌گزاری مصریان و امنیت راه مصر تأثیر مستقیم داشته‌اند که بسته به میزان تأثیرگذاری این متغیرها، امنیت حج در این دوران، دستخوش فراز و فرود است.

در زمان المستنصر بالله، مسیر اصلی حج مصر یا اصطلاحاً راه خشکی، به دلایل اقتصادی و نظامی، جای خود را به مسیری موسوم به مسیر دریایی داد که این راه دشواری‌ها و ناامنی‌های متعددی را برای حجاج در پی داشت. در سال‌هایی از این دوره، علی‌رغم وضعیت مطلوب مصر، حجاج به سبب قحطی در حجاز، از رفتن به حج منع می‌شوند.

منابع

۱. ابن اثیر، علی بن محمد (۱۳۸۵). **الکامل فی التاریخ**، بیروت، دار صادر.
۲. ابن تغری بردی، یوسف بن تغری بردی (۱۳۹۲). **النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة**، قاهره، وزارة الثقافة و الارشاد القومي، المؤسسة المصرية العامة.
۳. ابن حماد، محمد بن علی (۱۳۷۸). **تاریخ فاطمیان**، مترجم حجت الله جودکی، تهران، امیرکبیر.
۴. ابن خلدون، عبدالرحمان بن محمد (۱۳۶۳). **العبر: تاریخ ابن خلدون**، عبدالمحمد آیتی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه).
۵. ابن فضل الله عمری، احمد بن یحیی (۱۴۲۳). **مسالك الأبصار فی ممالک الأمصار**، ابن فضل الله.
۶. ابن فهد، عمر بن محمد (۱۴۲۶). **إتحاف الوری بأخبار أم القرى**، محقق فهیم محمد شلتوت، مکه مکرمه، المملكة العربية السعودية، وزارة التعليم العالی، جامعة أم القرى.
۷. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (بی تا). **البدایة و النهایة**، محقق خلیل شحاده، بیروت، دار الفکر.
۸. ابن میسر، محمد بن علی (بی تا). **المنتقی من اخبار مصر لابن میسر تاج الدین محمد بن علی بن یوسف بن جلب**، راغب، محقق ایمن فؤاد سید، قاهره، المعهد العلمی الفرنسی للآثار الشرقیة.
۹. ادیس عمادالدین (۱۹۷۵). **عیون الأخبار و فنون الآثار فی فضائل الأئمة الأطهار**، محقق مصطفی غالب، بیروت، دار الاندلس.
۱۰. انطاکی، یحیی بن سعید (۱۹۹۰). **تاریخ الأنطاکی المعروف بصلوة تاریخ اوتیخاء**، محقق عمر عبدالسلام تدمری، طرابلس، جروس برس.
۱۱. بیهقی، محمد بن حسین (۱۳۹۳). **تاریخ بیهقی**، مصحح فیاض، تهران، هرمس.
۱۲. خرابشه، سلیمان (۱۳۸۵). **رقابت عباسیان و فاطمیان در سیادت بر حرمین شریفین قرن پنجم و ششم هجری**، مترجم رسول جعفریان، تهران، مشعر.
۱۳. دفتری، فرهاد (۱۳۹۳). **تاریخ و سنت های اسماعیلیه**، مترجم فریدون بدره ای، تهران، نشر و پژوهش فرزانه روز.
۱۴. شاهوردی، زهرا (۱۳۹۲). «تعامل فاطمیان با امرای حجاز و دستاوردهای آن»، **تاریخ پژوهی**، ۵۷(۱۵)، ۲۴۵ - ۲۶۸.
۱۵. عنان، محمد عبدالله (۱۳۷۰). **تاریخ دولت اسلامی در اندلس**، مترجم عبدالمحمد

- آيتى، تهران، كيهان.
۱۶. قلقشندى، احمد بن على (۱۹۸۷). صحیح الأعىى فى صناعة الإنشاء، محقق محمد حسين شمس الدين، بيروت، دار الكتب العلميه، منشورات محمد على بيضون.
۱۷. مادلونگ، ويلفرد (۱۳۹۰). فاطمیان و قرمطیان بحرين، مترجم فريدون بدره اى، تهران، نشر و پژوهش فرزانه روز.
۱۸. مشكور، محمدجواد (۱۳۷۵). فرهنگ فرق اسلامى، مشهد مقدس، آستان قدس رضوى، بنياد پژوهش هاى اسلامى.
۱۹. مقرئزى، احمد بن على (۱۴۱۶). انعاظ الحنفا باخبار الائمة الفاطميين الخلفاء، محقق محمد حلمى احمد، قاهره، جمهورية مصر العربية، وزارة الاوقاف، المجلس الاعلى للشئون الاسلاميه، لجنة احياء التراث الاسلامى.
۲۰. _____، (۱۴۲۰). الذهب المسبوك فى ذكر من حج من الخلفاء و الملوك، محقق جمال الدين شيال، مكتبة الثقافة الدينية.
۲۱. _____، (۱۴۱۸). المواعظ و الإعتبار بذكر الخطط و الآثار المعروف بالخطط المقرئزية (دار الكتب العلميه)، محقق خليل منصور، بيروت، دار الكتب العلميه، منشورات محمد على بيضون.
۲۲. ناصر خسرو (۱۳۸۹). سفرنامه حكيم ناصر خسرو قباديانى مروزى با حواشى و تعليقات و فهرس اعلام تاريخى، محقق سيد محمد دبیر سياقى، تهران، زوار.
۲۳. نوئرى، احمد بن عبدالوهاب (بى تا). نهاية الأرب فى فنون الأدب، قاهره، وزارة الثقافة و الارشاد القومى، المؤسسة المصرية العامة.